

بررسی رابطه هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی دانشجویان

مرتضی حق شناس^۱

احمد علی نوربالا

سید آرش اکابری

وحید نجاتی لائین

منصوره صالحی

زهرا طیبی

چکیده

مقدمه: هوش مفهومی است که از دیرباز آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی‌ها و انواع آن علاقه‌مند بوده است. در عین حال، درباره شناخت و تبیین ویژگی‌ها و مولفه‌های هوش معنوی، در مقایسه با سایر انواع هوش، تحقیقات منسجم و نظام‌مند چندانی صورت نپذیرفته است. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط هوش معنوی و مولفه‌های دلبستگی انجام شد.

روش: مطالعه حاضر از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی و مقطعی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهرستان اسفراین است که در یک نمونه ۱۱۵ نفری از دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری این مطالعه طبقه‌ای است که طبقه‌ها به صورت رشته‌های تحصیلی تعریف شده و متناسب با تعداد دانشجو هر رشته نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از پرسشنامه هوش معنوی تهیه شده توسط عبداله‌زاده و همکاران و مقیاس دلبستگی کولینز و رید استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که نمونه مورد پژوهش از لحاظ سن بین ۱۸ تا ۳۵ سال بوده که بیشترین افراد در رده سنی ۲۱ تا ۲۴ سال قرار داشتند، بین ترم تحصیلی و

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، جمعیت هلال احمر خراسان شمالی، رئیس شعبه اسفراین. اسفراین.

Email: anayandom_m@yahoo.com

ایران (نویسنده‌ی مسئول)

مؤلفه اضطرابی نیز ارتباط معنادار بود که با بالا رفتن ترم تحصیلی (هشت ترم و بالاتر) مؤلفه اضطرابی دل‌بستگی افزایش می‌یابد. ۷۱ درصد مجرد و ۲۹ درصد متأهل بودند که تفاوتی از لحاظ متأهل یا مجرد بودن یافت نشد. همچنین نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این است که اکثر افراد نمونه هوش معنوی پایین‌تر از متوسط و پایین دارند. بین هوش معنوی و سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اجتنابی و اضطرابی رابطه چندانی به دست نیامد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و مؤلفه‌های دل‌بستگی ارتباط وجود دارد.

نتیجه‌گیری: رابطه بین مؤلفه اضطرابی دل‌بستگی و هوش معنوی جهت منفی داشته که نشان‌دهنده آن است که هرچه میزان هوش معنوی افزایش یابد، میزان اضطرابی دل‌بستگی (نگرانی از طرد شدن) کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی

هوش معنوی، سبک‌های دل‌بستگی، مؤلفه‌های دل‌بستگی

بررسی رابطه هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی دانشجویان

هوش مفهومی است که از دیرباز آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات و انواع آن علاقمند بوده است، این پرسش همواره بوده است که هوش چیست؟ چگونه رشد می‌کند؟ چه مؤلفه‌هایی دارد؟... هوش رفتار حل مسئله سازگارانه‌ای است که در راستای تسهیل اهداف کاربردی و رشد سازگارانه جهت‌گیری شده است. و کسلر (۱۹۸۵م.) هوش را شامل توانایی‌های فرد برای یک اقدام هدفمندانه، تفکر منطقی، و برخورد مؤثر با محیط تعریف کرد. تعریف بینه و سیمون (۱۹۱۶م.) از هوش: قضاوت و به‌عبارت دیگر، عقل سلیم شعور عملی، ابتکار، استعداد انطباق خود با موقعیت‌های مختلف. به خوبی قضاوت کردن، به خوبی استدلال کردن، به خوبی درک کردن، اینها فعالیت‌های اساسی هوش دانستند (گری گراث، ۱۳۸۴ش.). گاردنر هوش را مجموعه‌ای از توانایی‌هایی می‌داند که برای حل مسئله و ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می‌شوند، به کار می‌رود. از نظر وی انواع نه‌گانه هوش عبارتند از: هوش زبانی، موسیقایی، منطقی - ریاضی، فضایی، بدنی - حرکتی، هوش‌های فردی، هوش طبیعی و هوش وجودی که شامل ظرفیت مطرح کردن سؤالات وجودی است. آماران معتقد است هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدیس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود (آمرام، ۲۰۰۵م. نقل از غباری و دیگران، ۱۳۸۶ش.).

هوش معنوی برای حل مشکلات و مسائل مربوط معنای زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و سؤال‌هایی همانند «آیا شغل من باعث تکامل من در زندگی می‌شود؟» و یا «آیا در شادی و آرامش روانی مردم سهمیم هستیم؟» را در ذهن ایجاد می‌کند (غباری بناب، ۱۳۸۶ش.). هوش معنوی دست‌کم پنج مهارت و

کارآیی دارد که می‌توان بخشی از دانش پایه را دربر می‌گیرد و به رفتارهایی بینجامد که سازگاری با محیط را در پی آورد (صمدی، ۱۳۸۵ ش.).

ویژگی‌هایی که لازمه هوش معنوی هستند احتمالاً در کنار توانایی‌ها و فعالیت‌های دیگری قرار دارند که عبارتند از: دعا کردن، تعمق، رویاها و تحلیل رویاها، باورها و ارزش‌های دینی و معنوی، شناخت و مهارت در فهم و تفسیر مفاهیم مقدس و توانایی داشتن حالات فراروندگی به‌عنوان مثال؛ بعضی از حقایق قدیمی همانند آزار نرساندن در تقویت هوش معنوی مطرح می‌باشد. همچنین مسائل معنوی ممکن است شامل مواردی از قبیل تفکر در مورد سؤالات وجودی مانند وجود زندگی پس از مرگ، جستجوی معنا در زندگی، علاقمندی به و به‌عبارت دیگر تعمق مؤثر، رشد حس هدفمندی زندگی، رشد رابطه با خود، هماهنگی یا قدرت برتر و نقش آن در زندگی خود باشد (ناسل، ۲۰۰۴ م.). همچنین نوبل و وگان معتقدند مؤلفه‌های هشت‌گانه‌ای که نشان‌دهنده هوش معنوی رشد یافته هستند عبارتند از: درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران (ناسل، ۲۰۰۴ م.).

پژوهش‌های متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک‌های دلبستگی بزرگسال و باورهای مذهبی رابطه وجود دارد. کراک پاتریک و شیور، (۱۹۹۲ م.) نشان دادند که نمرات افراد در پرسشنامه سبک دلبستگی عاشقانه هازن و شیور (۱۹۷۸ م.) همبستگی معنی‌داری با نمرات آنان در میزان‌های مختلف مذهبی دارد، کسانی که در پرسشنامه دلبستگی خود را ایمن ارزیابی کرده بودند به‌طور معنی‌داری نمرات بالاتری نسبت به اجتنابی‌ها در میزان مذهبی به‌دست آوردند (قیامی، ۱۳۸۴ ش.).

پایه‌های نظریه دلبستگی به دنبال مطالعات بالبی در مورد نوجوانان بزهکار (به‌خصوص دوران کودکی و رابطه آنان با مادر) شکل گرفت، منظور از دلبستگی رابطه‌ای نخستین میان کودک و مادر است که پس از شکل‌گیری عامل محافظت فرد از نابودی خواهد آمد. رابطه توأم با دلبستگی نهایتاً به پدیده «پایگاه امن» منتهی شده و احساس ایمنی و رفتار اکتشافی رهاورد آن خواهد بود (بشارت، ۱۳۸۰ش).

دلبستگی عبارت است از برقراری پیوند عاطفی عمیق با افرادی خاص در زندگی به نحوی تعامل با آن‌ها باعث احساس نشاط و شغف شود و وجود آن‌ها به هنگام تنش مایه آرامش باشد (باقری، ۱۳۸۸ش). جان بالبی پژوهش‌های گسترده‌ای درباره مفهوم دلبستگی به عمل آورد او دلبستگی را چنین توصیف کرده است: ارتباط روانی پایدار بین دو انسان. بالبی عقیده داشت که دلبستگی دارای چهار ویژگی مختلف است: ۱. حفظ نزدیکی: تمایل به نزدیک بودن به کسانی که به آن‌ها دلبستگی داریم. ۲. پناهگاه امن: بازگشت نزد فردی که به آن دلبستگی داریم. ۳. پایه مطمئن: فردی که به آن دلبستگی وجود دارد، پایه مطمئن و قابل اتکایی برای کودک به وجود می‌آورد تا به کشف محیط و جهان پیرامونش پردازد. ۴. اندوه جدایی: اضطراب ناشی از عدم حضور فردی که به آن دلبستگی وجود دارد.

نتایج تحقیق کراک پاتریک و شیور (۱۹۹۲م). نشان داد که بزرگسالان ایمن نسبت به دو گروه نایمن، خدا را بیشتر مهربان و کمتر غیرقابل دسترس، دور و کنترل‌کننده توصیف کردند. همچنین بزرگسالان ایمن بالاترین سطح تعهد مذهبی را داشتند در حالی که بزرگسالان اجتنابی در مقایسه با دو گروه دیگر نسبت به مذهب بی‌تفاوت، و افراد دوسوگرا نسبت به خدا بی‌اعتقادتر بودند. بزرگسالان

ایمن با دیگران احساس صمیمیت و نزدیکی می‌کنند، قادرند به دیگران اعتماد کنند و خود را دوست‌داشتنی و باارزش بدانند، بالعکس بزرگسال دوسوگرا، رفتارها و هیجان‌های متغیری نسبت به موضوع دل‌بستگی دارد و بیش از حد به او وابسته است، اغلب نگران است که ترک شود و بیش از دیگران در عشق شکست می‌خورد. بزرگسال اجتنابی، نسبت به دیگران تعهد کمتری احساس می‌کند و اطرافیان را غیرقابل اعتماد می‌دانند اما خود را در برابر دیگران خوب می‌پندارد (سپاه منصور و دیگران، ۱۳۸۹ش).

با توجه به پژوهش‌های اندکی که در این زمینه انجام شده است، تعاریف و نظریات مربوط به هوش معنوی در مراحل اولیه و ابتدایی خود می‌باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط هوش معنوی و سبک‌های دل‌بستگی انجام شد؛ اینکه آیا بین هوش معنوی و مؤلفه‌های دل‌بستگی دانشجویان ارتباط وجود دارد یا خیر.

روش

مطالعه حاضر از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی و مقطعی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهرستان اسفراین می‌باشد که در این مطالعه ۱۱۵ نفر از دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری این مطالعه طبقه‌ای است که طبقه‌ها به صورت رشته‌های تحصیلی تعریف شده و متناسب با تعداد دانشجو هر رشته نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شد. در ابتدا با اخذ مجوز از دانشگاه و سایر ارگان‌های مربوط وارد محیط پژوهش شده سپس پرسشنامه‌های طراحی شده توسط همکاران طرح مطابق روش نمونه‌گیری تکمیل شدند. شرکت‌کنندگان در پژوهش کاملاً توجیه شدند که هیچ‌گونه نام و نشانی از آنها خواسته نمی‌شود و مسئله رازداری کاملاً رعایت خواهد شد. پرسشنامه هوش

معنوی توسط عبدالهزاده و همکاران در سال ۱۳۸۸ تهیه شده و دارای ۲۹ ماده می‌باشد که به روش لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این آزمون در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر ۰/۸۷ بوده و در مرحله نهایی پرسشنامه روی ۲۸۰ نفر گروه نمونه اجرا شد که پایایی در این مرحله ۰/۸۹ به دست آمد. و روایی علاوه بر روایی محتوایی صوری که سؤال‌ها با نظر متخصصان تأیید شده و در تحلیل عاملی نیز استفاده شده همبستگی کلی سؤال‌ها بالای ۰/۳۰ گزارش شده است. داده‌ها با آزمون تی مستقل با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه ۱۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

جهت بررسی شدت‌های هوش معنوی (بالا، پایین، خیلی بالا، خیلی پایین و متوسط) و سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن، فراوانی هر یک به صورت جداگانه در بین دختران (۱۱۵ نفر) اندازه‌گیری شد که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. فراوانی طبقات هوش معنوی و سبک دلبستگی ایمن

متغیر	شدت	سبک دلبستگی نایمن	سبک دلبستگی ایمن	مجموع فراوانی سبک ایمن و نایمن
هوش معنوی	بالا	۱۸	۴	۲۲
	پایین	۲۶	۱	۲۷
	خیلی بالا	۱۱	۲	۱۳
	خیلی پایین	۱	۰	۱
	متوسط	۴۴	۸	۵۲
مقدار کل				۱۱۵

با توجه به جدول ۱، اولاً تعداد مجموع ۱۰۰ نفر از جامعه آماری معیارهای سبک دلبستگی نایمن را از خود نشان دادند و تنها ۱۵ نفر معیارهای سبک دلبستگی ایمن را داشتند. در بین سبک دلبستگی نایمن بیشتر افراد شدت هوش معنوی متوسط (۴۴ نفر) تا پایین (۲۶) را از خود نشان دادند. شدت هوش معنوی خیلی پایین کمترین فراوانی (۱ نفر) را در بین افراد جامعه از خود نشان داد. در ادامه برای بررسی رابطه بین هوش معنوی و سبک دلبستگی ایمن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. همبستگی بین هوش معنوی و سبک دلبستگی ایمن

نوع متغیر	مشخصه آماری	سبک دلبستگی ایمن	داده های عددی هوش معنوی دختران
سبک دلبستگی ایمن	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۱۲۴
	سطح معنی داری	۰/۰۰	۰/۱۸۷
	تعداد	۱۱۵	۱۱۵
داده های عددی هوش معنوی دختران	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۲۴	۱
	سطح معنی داری	۰/۱۸۷	۰/۰۰
	تعداد	۱۱۵	۱۱۵

با توجه به داده‌های جدول ۲، مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین هوش معنوی و سبک دلبستگی ایمن ۰/۱۲۴ به دست آمد که بیانگر آن است بین این دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد.

در جدول ۳، فراوانی طبقات هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی اجتنابی (اجتنابی، غیراجتنابی) و اضطرابی آورده شده است.

جدول ۳. فراوانی طبقات هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی

متغیر	شدت	سبک دلبستگی اجتنابی		جمع
		سبک دلبستگی اجتنابی	سبک دلبستگی اضطرابی	
هوش معنوی	بالا	۱۸	۴	۲۲
	پایین	۲۰	۷	۲۷
	خیلی بالا	۱۰	۳	۱۳
	خیلی پایین	۱	۰	۱
	متوسط	۳۵	۱۷	۵۲
جمع		۸۴	۳۱	۱۱۵

با توجه به جدول بالا از مجموع ۱۱۵ نفر افراد جامعه ۸۴ نفر مشخصات سبک دلبستگی غیراجتنابی را داشته و تنها ۳۱ نفر سبک دلبستگی اجتنابی را در خود نشان می‌دادند. در هر دو سبک دلبستگی اجتنابی و غیراجتنابی شدت هوش معنوی افراد غالب متوسط و پایین و تا حدودی شدت بالا را نشان می‌دادند. این فرآیند فراوانی و شدت هوش معنوی در مورد سبک دلبستگی اضطرابی نیز دیده شد. به گونه‌ای که مجموع ۷۹ نفر از افراد جامعه شدت هوش معنوی متوسط و پایین داشتند و ۲۲ نفر شدت هوش معنوی بالا را دارا بودند.

از طرفی به دلیل آنکه سبک دلبستگی اضطرابی یک سطح دارد و هیچ کدام از افراد دلبستگی اضطرابی ندارد بنابراین همبستگی بین هوش معنوی و دلبستگی

اضطرابی مفید نبوده و به بررسی ضریب همبستگی بین هوش معنوی و سبک دلبستگی اجتنابی پرداخته‌ایم (جدول ۴).

جدول ۴. همبستگی بین هوش معنوی و سبک دلبستگی اجتنابی

متغیر	مشخصه آماری	داده‌های عددی هوش معنوی دختران	سبک دلبستگی اجتنابی
داده‌های عددی هوش معنوی دختران	ضریب همبستگی پیرسون	۱	-۰/۰۴۴
	سطح معنی داری	۰/۰۰	۰/۶۳۹
	تعداد	۱۱۵	۱۱۵
سبک دلبستگی اجتنابی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۰۴۴	۱
	سطح معنی داری	۰/۶۳۹	۰/۰۰
	تعداد	۱۱۵	۱۱۵

با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون مابین هوش معنوی و سبک دلبستگی اجتنابی (-۰/۰۴۴)، عددی منفی به دست آمد که بیانگر رابطه منفی بین این دو پارامتر بوده و بدین جهت هوش معنوی دختران و سبک دلبستگی اجتنابی رابطه منفی وجود دارد.

در ادامه برای بررسی تفاوت مؤلفه‌های اضطرابی دلبستگی، نزدیکی دلبستگی و وابستگی دلبستگی با طبقات هوش معنوی از روش آزمون تی مستقل استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۵ آورده شده است. براساس آزمون تی مستقل مقادیر سطح معنی داری برای مؤلفه‌های دلبستگی اضطرابی (۰/۰۳۷)، نزدیکی دلبستگی (۰/۲۳) و وابستگی دلبستگی (۰/۸۳) به دست آمد.

جدول ۵. تفاوت نمرات مؤلفه‌های اضطرابی دل‌بستگی، نزدیکی دل‌بستگی و وابستگی دل‌بستگی در طبقات هوش معنوی

هوش معنوی	دل‌بستگی اضطرابی		نزدیک‌دل‌بستگی		وابستگی دل‌بستگی	
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
خیلی پایین	۱۴/۷۶	۵۰/۷۶	۱۰/۴۱	۵۲/۴۶	۱۱/۱۱	۵۲/۶۹
پایین	۱۴/۵۴	۴۰/۶۲	۱۳/۰۱	۴۷/۸۵	۱۲/۵۸	۵۳/۹۷
متوسط	۱۷	۴۰/۵۵	۱۳/۶۷	۵۳/۳۶	۱۳/۶۱	۵۱/۹۱
کل	۱۵/۱۱	۴۲/۱۲	۱۲/۸	۴۹/۰۶	۱۲/۳۸	۵۳/۵۸
سطح معنی‌داری	P=۰/۰۳۷		۰/۲۳P=		۰/۸۳P=	

جدول فوق نشان می‌دهد که تنها مؤلفه دل‌بستگی اضطرابی با مقدار سطح معنی‌داری کمتر از $pvalue=0/05$ ($0/037$) بین طبقات هوش معنوی تفاوت معنی‌داری وجود دارد به گونه‌ای که هرچه هوش معنوی پایین‌تر باشد مؤلفه اضطراب دل‌بستگی افزایش می‌یابد. از طرفی بین طبقات هوش معنوی و مؤلفه نزدیکی دل‌بستگی و همچنین مؤلفه وابستگی دل‌بستگی تفاوت چندانی وجود ندارد.

نتیجه

ادواردز معتقد است هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی در مورد هوش معنوی متفاوت است. لذا نباید داشتن دانش وسیع در مورد مسائل معنوی و تمرین‌های آنها را هم ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق برای حل مسائل اخلاقی دانست (غباری بناب، ۱۳۸۶ش).

نتایج این مطالعه نشان داد که جامعه مورد پژوهش از لحاظ سن بین ۱۸ تا ۳۵ سال بوده که بیشترین افراد در رده سنی ۲۱ تا ۲۴ سال قرار داشتند بین ترم تحصیلی و مؤلفه اضطرابی نیز ارتباط معنادار بود که با بالا رفتن ترم تحصیلی (هشت ترم و بالاتر) مؤلفه اضطرابی دل‌بستگی افزایش می‌یابد. و ۷۱ درصد مجرد و ۲۹ درصد متأهل بودند که تفاوتی از لحاظ متأهل یا مجرد بودن یافت نشد. همچنین نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این است که اکثر افراد نمونه هوش معنوی پایین‌تر از متوسط و پایین دارند. و بین هوش معنوی و سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اجتنابی و اضطرابی رابطه چندانی وجود ندارد. و همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و «مؤلفه‌های دل‌بستگی» به نحوی ارتباط وجود دارد. رابطه بین مؤلفه اضطرابی دل‌بستگی و هوش معنوی جهت منفی داشته که نشان‌دهنده آن است که هرچه هوش معنوی افزایش یابد، مؤلفه اضطرابی دل‌بستگی (نگرانی از طرد شدن)، کاهش می‌یابد.

پژوهش‌های متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک‌های دل‌بستگی بزرگسال و باورهای مذهبی رابطه وجود دارد. کراک پاتریک و شیور، (۱۹۹۲م). نشان دادند که نمرات افراد در پرسشنامه سبک دل‌بستگی عاشقانه هازن و شیور (۱۹۷۸م)، همبستگی معنی‌داری با نمرات آنان در میزان‌های مختلف مذهبی دارد، کسانی که در پرسشنامه دل‌بستگی خود را ایمن ارزیابی کرده بودند به‌طور

معنی‌داری نمرات بالاتری نسبت به اجتنابی‌ها در میزان مذهبی به‌دست آوردند (قیامی، ۱۳۸۴ش.).

نتایج تحقیقات قیامی (۱۳۸۴ش.) نشان می‌دهد که گروهی از دانشجویان که در سبک دلبستگی خود از دوسوگرایی کمتری برخوردار بوده‌اند میزان بالاتری از گرایش به مذهب و خداوند به هنگام رویارویی با رویدادهای منفی زندگی نشان می‌دهند.

نتایج مطالعه سپاه منصور و همکاران (۱۳۸۹ش.) نشان داد که دلبستگی ایمن به خدا با دلبستگی ایمن نوجوان و نیز سبک‌های دلبستگی نا ایمن نسبت به خدا با سبک‌های دلبستگی نا ایمن نوجوانان ارتباط مثبت وجود دارد.

فهرست منابع

- باقری خدیجه، بهرامی هادی، جلالی محمدرضا. (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله، فصلنامه روانشناسی کاربردی سال ۳، شماره ۳، ۸۵-۹۹.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۰). نظریه دلبستگی، تازه‌های روان‌درمانی، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- سپاه، منصور، مؤگان؛ امامی‌پور، سوزان؛ حسن‌زاده فرشید، ساناز. (۱۳۸۹). ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا، فصلنامه روانشناسان ایرانی - سال چهارم، شماره ۱۵، ۶۳-۷۲.
- صمدی، پروین. (۱۳۸۵). هوش معنوی، اندیشه نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) دوره ۲، شماره ۳ و ۴، ۹۹-۱۱۴.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره دهم، ۱۲۵-۱۴۷.
- قیامی، سیده زهرا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله مذهبی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و پنجم، شماره ۱، ۲۲۱-۲۳۳.
- کاپلان، پاول. اس. (۱۳۸۶). روانشناسی رشد - سفر پرماجرایی کودک. ترجمه فیروزبخت مهرداد، تهران، انتشارات رسا، ۴۵۰-۴۷۰.
- گری گراث، مارنات. (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی برای روانشناسان بالینی، مشاوران و روانپزشکان، ترجمه پاشا شریفی حسن و نیکخو محمدرضا. تهران، سخن، ۲۶۶-۲۶۷.
- kobak,R,R,&scecry,A. (1988). Atteachment in late adolescence. Child Dvelopment, 59: 641-531
- Nasel,D.D. (2004). spiritual orintationin Relation to spiritual Intelligence:A consideration of traditional christianity and new Age/individualistic spirituality : unpublished thesis.Austrolia:The university of south Australia.

یادداشت شناسه مؤلفان

مرتضی حق شناس: کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، جمعیت هلال احمر خراسان شمالی، رئیس شعبه اسفراین. اسفراین. ایران. (نویسنده‌ی مسئول)

نشانی الکترونیکی: anayandom_m@yahoo.com

احمدعلی نوربالا: روان‌پزشک و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

سید آرش اکابری: کارشناس ارشد آمار زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد. ایران.

وحید نجاتی لائین: کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، آموزش و پرورش خراسان رضوی. شهرستان کلات نادر. ایران.

منصوره صالحی: دانشجوی روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور کرج. کرج. ایران.

زهرا طیبی: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد بجنورد. بجنورد. ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۲۹